

کاهش ۵۰ درصدی درآمد "داعش"

یک تیم کارشناسی در تحقیقاتی گسترده به این نتیجه رسیده است که درآمد گروه تروریستی "دولت اسلامی" در عرض دو سال بیش از ۵۰ درصد کاهش یافته است. نتایج این تحقیق در کنفرانس امنیتی مونیخ منتشر خواهد شد. وبسایت هفته‌نامه اشپیگل گزارش داد که کارشناسان "کینگ کالج لندن" به طور گسترده وضعیت مالی گروه "دولت اسلامی" (داعش) را بررسی کرده‌اند. بر اساس تحقیقات کارشناسان این کالج، درآمد این گروه تروریستی در سال ۲۰۱۴ حدود یک میلیارد و ۸۹۰ میلیون دلار بوده که در سال ۲۰۱۶ به ۸۷۰ میلیون دلار رسیده است. علت این روند منفی، عقب‌نشینی این گروه از مناطق اشغالی در عراق و سوریه اعلام شده است.

مهم‌ترین منبع درآمد "دولت اسلامی" مالیات و "کارمزد"ی است که از ساکنان مناطق تحت کنترل خود دریافت می‌کنند. فروش نفت دومین منبع درآمد این گروه است.

دکتر علیرضا موسوی‌زاده در گفت‌وگو با «همدلی» مطرح کرد

ترامپ نمی‌تواند سیستم جهانی را برهم بزند



عباس همدلی

مورد ناتو، ژاپن، کره، روسیه و ایران زده‌اند، ولی اکنون سیاست‌های بلنچمدت ایالات‌متحده در تداوم همان سیاست گذشته است. مثلاً در مورد ایران به خانم موگرینی اطمینان خاطر داده شده است که دست به توافق هسته‌ای نزنند. تحریم‌های جدیدی که در مورد چند نفر هم اجرا شد، در دستور کار دولت قبل بود و هر حزبی هم که سر کار می‌آمد چنین عکس‌العملی انجام می‌داد. در مورد ژاپن در کنفرانس مطبوعاتی دقیقاً همان حرف‌هایی که در دولت قبل گفته‌شده بود تکرار شد؛ حتی لغات و جملات بکار رفته تکرار همان حرف‌های گذشته بود. در مورد ناتو هم همان سیاست‌های گذشته ادامه پیدا خواهد کرد. کما اینکه اعتماد کامل ترامپ به نخست‌وزیر بریتانیا-خاتم می، در این مورد حاکی از این موضوع است. در مورد تلفن رئیس‌جمهوری تایوان به ترامپ که سروصنای زیادی ایجاد کرده بود، ترامپ تغییر موضع داد و به همان نگاه گذشته مبنی بر به رسمیت شناختن چین واحد و احترام به تمامیت ارضی چین چرخش پیدا کرد. چین کشوری نیست که آمریکا بتواند آن را نادیده بگیرد یا بدون محاسبات با آن برخورد کند.

■ **شما در جایی صحبت از افول ایالات‌متحده کرده بودید، آیا ما شاهد فرسایش یکی دیگر از ابر قدرت‌ها در تاریخ هستیم؟**

افولی که من در مورد آن صحبت کردم شاخص‌هایی است که در بیماری امپراتوری‌های گذشته هم نمایان شده بود. تعهدات مالی، نظامی و سیاسی ایالات‌متحده در کل جهان،



چنین سیستمی را که آمریکا نمی‌تواند به‌صورت یک‌جانبه برهم بزند. ۴۰ درصد تجارت جهان میان اتحادیه اروپا و ایالات‌متحده است. شما شاهد هستید که کشوری مانند بریتانیا هم که بر اساس رفتارندوم باید از اتحادیه اروپا خارج شود، کار پیچیده و مشکلی در پیش دارد. روند کامل خروج برای بریتانیا احتمالاً ده سال به طول خواهد کشید. برگزیت در بریتانیا یک زلزله سیاسی ایجاد کرد و حزب محافظه‌کار مجبور به تغییر نخست‌وزیر خود شد.به‌سادگی نمی‌توان قراردادهای اقتصادی و تعهدات بین‌المللی را لغو یا معلق کرد. لذا این گونه حرف‌ها و موضع‌گیری‌ها که قراردادهای قارای و بلوک‌های اقتصادی باعث فقر در

آمریکا شده است، شعارهای با مصرف داخلی برای یک قشر خاص در آمریکا است. ممکن است در مذاکرات و توافقات پیش رو بتوانند امتیازات بهتری کسب کنند، ولی وضع موجود را نمی‌توان به‌صورت یک‌جانبه و یکباره تغییر داد. سیاست‌های خارجی در بسیاری از موارد باسیاست‌های داخلی هم‌پوشانی دارد. در همین قانونی اخیر که برای ۷ کشور محدودیت ورود به آمریکا را در پی داشت، شما ملاحظه کردید که در همین حد هم سیستم به ترامپ چنین اجازه‌ای نداد.

■ **سیاست‌های آمریکای ترامپ را در منطقه خاورمیانه چگونه ارزیابی می‌کنید؟ احتمال دخالت‌های بیشتر ایالات‌متحده در منطقه که موازنه قوا را به ضرر ایران تغییر دهد، وجود دارد؟**

آمریکا به‌مرورزمان در حال درون‌گرایی است. همین مسئله باعث شده که کمتر در مسائل بین‌الملل دخالت کند و خاورمیانه هم از این قاعده مستثنا نیست. دخالت‌هایی که آمریکا در سال‌های اخیر در افغانستان، عراق، لیبی و... در پیش گرفت، پیامدهای جانی و مالی زیاد برای آمریکا داشت. لذا درصدد دخالت‌های بیشتر در جهان و منطقه خاورمیانه نیست. یادتان نرود در زمان دونالد ریگان همان سیاست‌ها کمتر را در پیش گرفت و در پی ارتباط با ایران در قضیه مک‌فارلین بود.این تفکر استراتژی ایالات‌متحده تعامل با ایران است چون که با تعامل با ایران است که می‌تواند مسائل خاورمیانه را حل‌وفصل کند.نفوذ ایران در سوریه، عراق، لبنان و یمن قابل چشم‌پوشی نیست. لذا با تعامل ایران که می‌شود از بحران خاورمیانه عبور کرد. سیزده جویی از دستور کار سیاست خارجی آمریکا خارج‌شده است و این اتفاق از دوران اوباما شروع و در دوران ترامپ ادامه خواهد داشت.

ali.taghavi@gmail.com

مخالفت چین با حضور تفنگداران آمریکایی در تایوان



روابط و تقویت مناسبات با تایوان است. خبرگزاری مرکزی تایوان یک روز پیش ایمن خبر را که قرار است چنین نیروهایی به این جزیره اعزام شوند منتشر کرد و آن را نشانه‌ای از بهبود و تقویت روابط میان تایوان و آمریکا دانسته است. «سفтан یونگ» که ریاست موسسه آمریکا در تایوان را بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ میلادی در اختیار داشته است، می‌گوید برای رسیدن به این هدف تلاش زیادی کرده و خوشحال است که اعلام می‌کند این تفنگداران وظیفه حراست از این مکان را بر عهده خواهند گرفت. انجام این کار دقیقاً در شرایطی انجام می‌شود که گفت وگویی تلفنی غیرمنتظره میان دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا با «شی جین‌پینگ» رئیس‌جمهوری خلق چین درساره اصل چین واحد برای پکن اهمیت زیادی داشت و ترامپ در این گفت وگو اعلام کرد خود را به ایمن اصل پایبند می‌داند.

آمریکا تاکنون تفنگدارانش را در ۱۴۸ موسسه و مرکز دیپلماتیک خود در سراسر دنیا مستقر کرده ولی در تایوان دست به چنین کاری نزده است. تایوان در پی یک جنگ داخلی در سال ۱۹۴۹ از خاک اصلی چین جدا شد ولی این کشور همچنان تایوان را به عنوان جزیره‌ای که بخشی از خاک چین است می‌داند و تهدید کرده چنانچه این منطقه در صدد جدا شدن همیشگی خود از پکن براید به تایوان حمله خواهد کرد.

مقام های چین و تایوان در سال ۱۹۹۲ میلادی به توافقی رسیدند مبنی بر اینکه هر اقدامی در این منطقه و در روابط طرفین براساس اصل چین واحد باشد. بر اساس اصل چین واحد، چین و تایوان به یک کشور که همان سرزمین مادری است، تعلق دارند.

یک روز پس از اعلام آمریکا مبنی بر استقرار شماری از تفنگدارانش در تایوان، چین به شدت به آن واکنش نشان داد و مخالفت خود را در خصوص اجرای این برنامه اعلام کرد.

به گزارش ایرنا، «کینگ شوانگ» سخنگوی وزارت امور خارجه چین در مصاحبه‌ای در پکن خاطر نشان کرد که چین مخالف تبادلات نظامی میان آمریکا و تایوان است. وی بار دیگر تاکید کرد که چنین تبادلاتی با تعهدات آمریکا در قبال اصل چین واحد همخوانی ندارد و واشنگتن باید به این اصل پایبند باشد. این در حالی است که واشنگتن در اقدامی که می‌تواند باعث نگرانی و خشم چین شود، قصد دارد شماری از تفنگداران خود را در موسسه آمریکا در تایوان مستقر کند.

استقرار تفنگداران و تسکاوران آمریکایی با هدف حراست از منافع و مکان های دیپلماتیک آمریکا در کشورهای دیگر سابقه دارد اما از سال ۱۹۷۹ میلادی که آمریکا با چین رابطه رسمی و دیپلماتیک برقرار کرد، تاکنون دست به چنین کاری در منطقه تایوان نزده است.

سخنگوی چین گفت که آمریکا بیانیه های مشترکی با چین دارد که به موضوع تایوان نیز مربوط می شود اما مهم این است که چین به شدت مخالف هر تبادل رسمی و نظامی واشنگتن با تاییه است و این بیانیه ها و اصل یک چین باید محترم شمرده شود. تارنامای «بی سی» چین روز شنبه در گزارشی نوشت: چنانچه آمریکایی ها بخواهند تفنگداران خود را در تایوان مستقر کنند به اصل و اساس روابط این کشور با چین لطمه جدی خواهد خورد.

روزنامه می افزاید، تلاش برای استقرار این نیروها نشان می دهد که آمریکا به شدت به دنبال افزایش

تبلیغات بر سر تغییر قانون اساسی ترکیه در آلمان



بن‌علی یلدریم، نخست‌وزیر ترکیه برای شکر آرای ترکی‌های ساکن آلمان پا به میدان نهاده است. موضوع رفتارندوم اصلاح قانون اساسی ترکیه و ایجاد یک نظام رئیس‌جمهور محور در این کشور است که قرار است روز ۱۶ آوریل بر گزار شود.

سخنرانی‌های آتشین در آلمان. این بار قرعه به نام بن‌علی یلدریم، نخست‌وزیر ترکیه افتاده است. قرار است در شهر اوپره‌ازن آلمان، پشت تریبون برود و برای هزاران شهروند ترک ساکن آلمان سخنرانی کند. موضوع سخنرانی، همراه‌ساختن ترک‌های ساکن آلمان باسیاست دولت اردوغان مبنی بر تغییر قانون اساسی است. تغییری که توسط همه احزاب آلمان رد شده است. سخنرانی بن‌علی یلدریم در آلمان توسط دفتر نخست‌توزیری سازماندهی شده است، اما این سخنرانی از حمایت و پشتیبانی اتحادیه دموکرات‌های ترک در اروپا برخوردار است؛ اتحادیه‌ای که مدعی است بخش اعظم ترک‌تباران ساکن آلمان را نمایندگی می‌کند. این اتحادیه در واقعیت امر همچون شعبه‌ای از حزب حاکم ترکیه، حزب عدالت و توسعه عمل می‌کند. موضوع اصلاحات قانون اساسی ترکیه، در عین حال برای سیاست آلمان نیز بدل به نوعی چالش شده است. نخست‌وزیر ترکیه، بن‌علی یلدریم قرار است در کشور آلمان پیرامون موضوعی سخنرانی کند که همه احزاب آلمان با آن مخالف هستند.

رئیس فراکسیون حزب سبزهای آلمان، جم اوزدمیر سخنرانی نخست‌وزیر ترکیه در آلمان را تبلیغات انتخاباتی برای دولتی دانسته که عملاً خیر و صلاح‌خیر و مصلحت‌ها را اردوغان متمرکز خواهد بود. سیاستمدار عضو حزب چپ‌های آلمان، سویم داغ‌لدن حتی سخنرانی یلدریم را «گزارش تبلیغاتی برای دیکتاتور ترکیه» معرفی کرده و خواستار لغو اجازه سفر او شده است.

مشکل اما اینجاست که سخنرانی بن‌علی یلدریم به گونه‌ای سازماندهی شده که گویا او قرار است در یک جمع



ادامه از صفحه اول

آنان که به مردم نزدیک‌ترند

مهر سسکونی که از نگاه افکار عمومی هزینه سنگینی بر اعتبار و حیثیت اجتماعی‌اش تحمیل کرد. طرفه آنکه، بر خلاف موازین شرعی، قانونی، عرفی و اخلاقی پس از مرگ نیز بر جسد بی‌جاش حرمت روا نداشتند.

آینالله بیش از هر سیاستمدار در سال‌های گذشته، حرف و حدیث برای گفتن به مردم در چنته داشته و در عین حال، بیش از هر مسئول جمهوری اسلامی در طی این چند دهه برای وی و خانواده‌اش حرف و حدیث ساخته و بافته‌اند. او نه قَدِیس بود و نه اسطوره، آن گونه که پارای از «حوارپوش» می‌انگاشتند و می‌انگارند و نه بدون تردید بَری از اشتباه و مصون از گناه و به دور از نقد و نقادی. صد البته نه مستحقِ این همه بی‌مهری و برخورد‌های ناروا، غیر منصفانه، غیر اخلاقی نبود.

هاشمی، هاشمی بود، نه کم و نه بیش. وزنه‌ای سنگین در عرصه سیاست و کشورداری، روحانی مبارزی از جمع حلقه کوچک زنجیره در هم تنیده «باسابقون». شخصیتی به غایت اثرگذار در جهت دهی سیاست‌های راهبردی درون و برون مرزهای جمهوری اسلامی، حلقه وصل و نقطه تعادل و اهل تعامل، شهروندی متعهد و مسئولیت‌پذیر با پیشینه‌ای به‌درازای عمر انقلاب در مدیریت پر تب و تاب کوه‌های ویژه و پر رمز و راز لکومونیو بر سروصدای سیاست کشور، در جاده‌ای خطیر و پر خطر، با قامتی در قَدّ و قوّاره نیازهای روز جامعه انقلابی. کولباری سنگین از وظایف، مسئولیت‌ها و انتظارات به‌جا و نابه‌جای بچه‌های شلغ، سرزنده، پر شوق و ذوق و آرمان‌گرای خانواده بزرگ انقلاب، کامیابی‌ها و ناکامی‌ها و دنیایی از ایده‌آل‌ها و آرزوهای بر زمین مانده، همراه با اشک‌ها و اینخندهایی که در روند زندگی بسیاری از کهنه سربازان دنیای سیاست دیده شده و می‌شود، با همه تلخی‌ها و شیرینی‌ها، محبوب و گاه مغضوب.

به رغم نوع نگاه پارای از نظریه‌پردازان در این اواخر، «هاشمی» دوگانه نداریم، و به‌کارگیری واژه‌های متقدّم و متّأخّر را در تقسیم‌بندی پارای دیگر از نظریه‌پردازان از بُرش‌های زندگی سیاسی‌اش چندان متناسب و منطقی ارزیابی نهموده، چه، تجربه زندگی هر تنابده‌ای در گذر عمر چنان تغییر و تحوّل را کم و بیش در نحوه رفتار و گفتار و کردار آدم‌ها، اجتناب‌ناپذیر می‌نمایاند.

واقعیت ملموسی که به ما اجازه می‌دهد، در نقد و نظر پیرامون آثار عملی سیاست‌های آیت‌الله در جایگاه‌های گوناگون سیاسی، اجرایی، قانون‌گذاری و نظارتی، جانب انصاف و مروّت را از دست نداده و در بارش از یک چارچوب منطقی و منصفانه، با حفظ اصول و ارزش‌ها به دایرهی بنشینیم!

غرض تیره آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از همه عملکردهای دوره حضورشان در راس هر م قدرت، به‌ویژه عملکرد غیر قانونی و غیر قابل توجیه پارای از اعضای امنیتی، اقتصادی کلینتشان نبوده و نیست؛ چه، خود چون زمانی در روزه شاهدان و منتقدان دولت ایشان در ارتباط با چگونگی اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی درمبحث «خصوصی‌سازی» با آن مشکل وشمایل «خاص» بوده، و تا ایسن زمان نیز حرف‌ها و دردلد‌های فراوان در همین ارتباط برای گفتن دارم!

شایان یادآوری است، نه فقط نیروهای فکری- فرهنگی که توده مردم در قالب افکار عمومی نیز به‌علت آنچه از آن به نادیده گرفتن آشکار حقوق ملت می‌توان یاد کرد، ارزیابی قابل قبولی از کارنامه دولت در این دوره مسئولیت آیت‌الله رفسنجانی در راس قوه مجریه ارائه نمی‌دهند. اما همه این حرف و حدیث‌ها مانع از آن نیست که صادقانه بگویم، نگاه که قطعات پازل زندگی سیاسی آیت‌الله را در طی حدود ۶۰سال مبارزه و مدیریت در جایگاه‌های مختلف و تعیین کننده اداره امور کشور با لحاظ کردن موانع و مشکلات عیدیه داخلی و خارجی، جنگ و... در کنار هم می‌چینیم، انصاف نمی‌بینیم دیده بر نیمه پر لیوان ببندیم خدمتاش را در ایجاد ثبات، امنیت و اعتبار کشور یادیده‌بگیریم.

آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی، در جایگاه انسان مسئول، چنانچه سیروسلوک زندگی فردی و اجتماعی‌اش نشان می‌دهد، چون هر صاحب حقی، ذوق، سلیقه، ذائقه، خواسته‌ها، آمال و آرزوها، آرمان‌ها، ایده‌آل‌ها و ایده‌های خاص خود را داشته و بی‌تردید در گذر از مسیر نفس‌گیر ۳۷ سال گذشته نمی‌توانسته رضایت خاطر تمامی اعضای خانواده انقلاب را فراهم و سلیقه و ذائقه آنان را به تمام و کمال در آشپزخانه انقلاب مدّ نظر قرار داده و خواسته همگان را برآورده سازد. چه، موفقیت امری نیست آسی، و سخن از «توفیق مطلق» دلخوشی گذرانی بیش نبوده و «عواطف‌فریبی» نزدیک است. وظیفه‌های سترگ که از عهده هیچ مدیر و مسئولی در عالم سیاست و اجرا ساخته نبوده و نیست.

مگر می‌شود، مدبری ارشد با ۳۷سال سابقه مدیریت در حثاس‌ترین جایگاه‌های کلیدی کشور همچون ریاست مجلس، ریاست جمهوری، «فرماندهی کل قوا»، ریاست مجلس خبرگان رهبری، ریاست شورای مصلحت نظام و... آن هم در سرزمینی به وسعت ایران و در فضایی همیشه انقلابی! در مسیر انجام وظایف، بُری از خط و خطا و اشتباه بوده باشد؟ آیا مدیر و یا سیاستمداری را در تاریخ پیدایش سیاست به مفهوم و معنای امروزی، با داشتن موقعیت زمانی و مکانی هاشمی رفسنجانی، نه فقط در ایران، که در دنیا سراغ داریم که توانسته باشد بدون اشتباه و خطب و خطا تمامی برنامه‌هایش را پیش برده و اقبال عمومی را به تمامی و تا پایان خط به سوی خود جلب کرده باشد؟

هاشمی و هاشمی‌های تاریخ را باید در ترازوی دقیق زمان و مکان خاص زندگی‌شان وزن کرد و داوری منصفانه در باره آنان را، نه با معیارهای رایج امروزی، که با معیارهای زمانی و مکانی حضورشان در جایگاه مدیر مسئول و سیاست‌گذار به نقد و نظر صاحبان اندیشه واکذاشت‌واغایر.

مروری کوتاه بر کتاب قطور زندگی پر فراز و فرود سیاسی -اجرائی آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی از نخستین تجربه سیاسی‌اش یعنی شرکت در تجمع اعتراضی اردیبهشت ۱۳۲۹به تشییع جنازه رضاشاه در قم، تا لحظه بازایستادن ازگهپانی قبلش از تیش در عصر روز ۱۶دی ماه گذشته، بیانگر این واقعیت اکتراپذیر است که هر جا همراه و همگام با مردم قرار گرفته، افتخار شاکرد اوّلی کلاس درس بزرگ مردم نصیب‌اش شده، ولی آنجا که با خواسته‌های بحق و قانونی ملت غفلت ورزیده و از کاروان بازمانده است؛ چنین جایگاه رفیعی چنانچه در آزمون‌های انتخاباتی در دوره‌های مختلف دیده شده، عملاً از این سمت‌درمد دریغ گردید.قاعده شناخته شده‌ای که دیگر هاشمی‌های زمان، در هر جامه و جایگاه از آن مستثنا نبوده و نیستند.واین چنین است که «آنان که به مردم نزدیک‌ترند، هم محبوب‌ترند و هم مقبول‌تر و ماندگار»